

نص بابلي آخر عن قصة الطوفان السومرية وهو نص اتراحيس:

متن آتراهاسيس؛ يك متن بابلي ديكر از داستان طوفان سومري:

.....»

الكسرة الثانية:

البداية مفقودة

فتح اتراحيس فمه وقال لمولاه:

هلا اعطيتني شرحا لأحلامي

(.....)

حشنا فلتصغ إلي

اسمع يا جدار

وتأمل كلماتي يا كوخ القصب

قوض بيتك وابن سفينة

اهجر ممتلكاتك

وخلص حياتك والسفينة التي انت بانيتها

(تشوه في اللوح)

الكسرة الثالثة وفي الوقت المحدد الذي سأعينه لك

ادخل الفلك واغلق عليك بابك

احمل اليها الحبوب والمتاع والمواشي

وزوجك وعائلتك واقرباءك وأصحاب الحرف

وطرائد البرية ووحوشها وما استطعت من أكلة الأعشاب

سأدفع بها اليك وتقبع عند ابوابك تحرسها لك

ففتح اتراحيس فمه وقال

محدثا أيا مولاه:

لم يسبق لي ان بنيت سفينة

فهلا رسمت لي شكلا لها على الأرض

استعين به على بنائها

(.....) على الارض (.....)

ثم اني ساعمل على تنفيذ كل ما أمرتني به
(البقية مكسورة)»(1).

1. المصدر (السواح - مغامرة العقل الأولى): ص 172.

(فراس السواح 1941) مفكر وكاتب سوري يبحث في الميثولوجيا وتاريخ الأديان وله مؤلفات كثيرة.

.....»

شکستگی دوم:

ابتدای آن مفقود شده است.

آتراهاسیس دهان گشود و به سرورش گفت:

آیا رؤیاهایم را شرح نمی‌دهی؟

(.....)

افتخار از آن ما است، پس باید به سوی من آیی.

بشنو ای دیوار،

و بفهم سخنانم را، ای خانهٔ نیین،

خانه‌ات را از هم بگسل و یک کشتی بساز،

آنچه داری به دور افکن،

زندگیت را نجات بده و آن کشتی که تو سازنده‌اش هستی،

(خدشه در لوح)

(شکستگی سوم) و در زمان معینی که برای تو معین خواهم نمود،

وارد کشتی شو و درب را به روی خودت ببند.

غله و کالاها و چهارپایان را به آن وارد کن،

و نیز همسرت و خانواده‌ات و نزدیکانت و صاحبان حرفه‌ها را،

و چهارپایان دشت‌ها اعم از وحشی و اهلی، و آنچه توانستی از علفخواران را،

آن را به سوی تو خواهم فرستاد و پشت درهایت پنهان شو تا از آن حفظ شوی،

آتراهاسیس دهان گشود و گفت،

در گفت و گو با سرورش:

تا پیش از این هیچ کشتی نساختم.

چرا برایم تصویری از آن بر روی زمین نمی‌کشی؟

تا در ساختنش از آن کمک گیرم.

(.....) بر زمین (.....)

سپس من هر آنچه را فرمانم داده‌ای به اجرا در خواهم آورد،

(بقية شكسته است.) «(1).

1. مصدر : السواح، سرگذشت عقل اول، ص ۱۷۲.

فراس السواح، متولد ۱۹۴۱، اندیشمند و نویسنده سوری است که در اسطوره‌شناسی و تاریخ ادیان تحقیقاتی انجام داده است. وی کتاب‌های زیادی به رشتهٔ تحریر درآورده است.

أيضا هذا النص نفسه مع اختلاف في ترجمة النص:

همچنین همان متن (با تفاوت‌هایی در ترجمهء متن):

«وذات ليلة كان أتراحاسس نائماً وظهر له
إيا في حلمه وخاطبه وقال له: حذار يا اتراحاسس
المياه... المياه ستحطم كل شيء
فأنتبه لذلك وخلص الإنسان بسلطان
حذار حذار.
وفزع أتراحاسس.
نهض اتراحاسس من حلمه خائفاً وذهب في اليوم التالي الى معبد أيا
وسأله عن حلم البارحة
فقال أيا ذو العين اللامعة:
قد قلت ماذا علي أن افعل فعليك الانتباه
الى الخبر الذي سأقوله لك يا جدار
استمع الي يا جدار القصب
انتبه انتبه الى كلماتي
هدم بيتا وابن سفينة
انبذ المال وانقذ النفس
واحمل في السفينة بذرة كل المخلوقات الحية
ابن سفينة كبيرة وليكن بناؤها كليا من القصب واجعلها
واجعلها سفينة ماكور اوكر واسمها منقذة الحياة
اضبط مقاييسها واجعل عرضها مساويا لطولها
واحكم غلقها مثل غلق الابسو

«یک شب آتراهاسیس خوابیده بود که بر او ظاهر شد،
آیا، در خوابش، و او را مخاطب قرار داد و گفتش: هشدار ای آتراهاسیس،
آبها ... آبها همه چیز را درهم خواهند شکست.
به این توجه کن و انسان را با قدرت از گرفتاری نجات ده،
هشدار، هشدار،
آتراهاسیس به وحشت افتاد،
وحشتزده از خوابش بیدار شد و روز بعد به معبد آیا رفت،
و از او، از خواب دیشب پرسید.
آیا، دارنده دو چشم درخشان گفت:
گفتم که چه کار باید برایم انجام دهی، پس باید دقت کنی.
به خبری که به تو خواهم گفت، ای دیوار،
ای دیوار نبین، به من گوش فرا ده،
در سخنانم با دقت تأمل کن،
خانه را ویران کن و کشتی بساز،
مال را دور افکن و جان را نجات ده،
نطفه هر جاننداری را به درون کشتی ببر،
کشتی بزرگی بساز و تمام آنرا از نی بنا کن و آنرا،
کشتی را طبقه طبقه بساز و آن را نجات‌دهنده زندگی بنام،
اندازه‌هایش را دقیق بنا کن و عرض را مساوی طولش در نظر بگیر،
دربش را مثل درب آبسو محکم کن.

لقد فهمت قصدك يا سيدي
ان ما امرت به الان ساتشرف بانجازه
ولكني يا سيدي لم ابن سفينة من قبل ابدا
فارسم لي صورة على الأرض
حتى أرى الصورة وابني السفينة
فرسم الاله الصورة على الأرض
وبعد سبعة أيام من العمل المتواصل استطاع اتراحاسس ان يبني السفينة
فكانت مساحة قاعدتها اريكو واحدا

وكان ارتفاع كل جدار فيها مائة وعشرون ذراعاً
وهكذا حددت أبعادها وهيكلها
وجعل فيها ستة فواصل وبهذا انقسمت الى سبعة طوابق
ثم قسمت أرضيتها الى سبعة طوابق وتسعة أقسام
وغرزت فيها مسامير الخشب لمنع الماء
.....»(٢).

٢. المصدر (الماجدي - إنجيل بابل): ص 175.

د. خزعل الماجدي (1951) باحث عراقي حاصل على شهادة الدكتوراه في التاريخ القديم 1996.

منظورت را دریافتم، سرورم.
اکنون به انجام آنچه به من فرمان دادی، مفتخر خواهم شد،
اما سرورم هرگز پیشتر هیچ کشتی نساختم،
تصویری بر زمین برایم بکش،
تا تصویر را ببینم و کشتی بسازم.
الهی تصویری بر زمین کشید.
پس از هفت روز کار مداوم، آتراهاسیس توانست کشتی را بسازد،
محوطهء کف آن یک جریب بود،
و بلندی دیوارهایش یکصد و بیست ذراع،
به این ترتیب شکل بیرونی و ابعاد آن مشخص گشت،
و در آن شش جداکننده قرار داد و به این ترتیب به هفت طبقه قسمت شد،
سپس کف آن به هفت طبقه و نه قسمت تقسیم شد،
و در آن میخهای چوبی قرار گرفت، برای جلوگیری از ورود آب،
.....»(٢).

٢. مصدر : الماجدی، انجیل بابل، ص ١٧٥.

دکتر خزعل الماجدی، متولد ١٩٥١، پژوهشگر عراقی است. وی در سال ١٩٩٦ مدرک دکترایش را دریافت کرد.

واضح في النص المتقدم أنّ اترحاسس (زيوسودرا - اوتونبشتم - نوح) بنى
سفينته من قصب ولعله قصب متين كقصب البامبو وليس قصباً عادياً ضعيفاً،
وبيئة الوادي الخصب (الخليج الحالي) قبل أن تغمرها المياه كانت بيئة ملائمة

لنمو أنواع القصب والأشجار؛ لأنها مساحات كبيرة تجري فيها الأنهار والبحيرات.

روشن است که در متن قبلی، آتراهاسیس (زیوسودرا، اوت ناپیشتیم، نوح) کشتی‌اش را از نی ساخته است و چه‌بسا از نی محکمی هم‌چون نی بامبو و نه از نی عادی سست. محل سکونت او نیز منطقه دره حاصلخیز (خلیج فعلی) بوده است، پیش از آنکه با آب پوشانده شود؛ یعنی همان جایی که برای رشد انواع نی و درخت مناسب بوده؛ چرا که در مناطق وسیعی از آن، رودخانه و دریاچه جاری بوده است.

«ابن سفينة كبيرة وليكن بناؤها كلها من القصب واجعلها واجعلها سفينة ماكور اوكر واسمها منقذة الحياة».

«کشتی بزرگی بساز و تمام آنرا از نی بنا کن و آنرا، کشتی را طبقه طبقه بساز و آن را نجات‌دهنده زندگی بنام».

اوتونبشتم أو زیوسودرا أو اترحاسیس أو نوح قصته غير متطابقة في كل المرويّات التاريخية الواردة من العراق أو الموقع الذي سكنه ورثة نوح وقومه أو بالخصوص الناجين معه في السفينة، ولكن النصوص تجمع على أن هناك طوفاناً حصل وسبب الطوفان ديني وهو غضب إلهي.

داستان اوت ناپیشتیم یا زیوسودرا یا آتراهاسیس یا نوح، در تمام روایات تاریخی رسیده از عراق یا مکانی که وارثان و قوم نوح و به‌ویژه نجات‌یافتگان با او در کشتی در آنجا زندگی می‌کرده‌اند، یکسان نیست؛ ولی همه این متون بر اینکه طوفانی رخ داده و وقوع طوفان نیز دلیل دینی داشته، که همان خشم خداوند بوده است، متفق هستند.

أيضاً: المنطقة التي كان فيها الطوفان هي بلاد ما بين النهرين ومحيطها وغطتها المياه بصورة كلية وبكميات كبيرة جداً بحيث لم ينجُ منها أحد غير من ركبوا السفينة مع نوح، وكانت السفينة تجري في بحر.

همچنین منطقه‌ای که طوفان در آن به وقوع پیوست، سرزمین بین‌النهرین و اطرافش بوده که آب‌های انبوه آن را به طور کامل فرا گرفت، به طوری که غیر از کسانی که با نوح به کشتی سوار شدند، کسی از آن نجات نیافت در حالی که این کشتی در دریا راه می‌سپرد.

أيضاً: من النصوص نجد أنّ السفينة صنعت من القصب وصنعت في فترة قصيرة ربما أيام، وكانت كبيرة الحجم على الأقل بالنسبة للحقبة التي صنعت فيها، وكانت المنطقة تحوي مرتفعات ومحاطة بالمرتفعات، والفيضان بسبب انهيار سد، والماء جاء من الجنوب باتجاه الشمال.

در ضمن از متون چین درمی‌یابیم که کشتی از نی ساخته شده و طی مدت زمانی کوتاه که چه بسا از چند روز فراتر نمی‌رفته بنا شده است. اندازه کشتی حداقل نسبت به عصری که ساخته شد، بزرگ بوده و این منطقه دارای ارتفاعاتی بوده و گرداگرد آن نیز با بلندی احاطه شده است. شکسته شدن سد، علت وقوع سیل بود که طی آن، آب از جنوب به سمت شمال روان شد.

وكل ما تقدم إذا أردنا جمعه مع الحقائق العلمية والتاريخية ستحصر منطقة الفيضان بالخليج الحالي قبل أن تغمره المياه إبان انتهاء العصر الجليدي الأخير وذوبان الثلوج وارتفاع مستوى سطح البحر.

اگر بخواهیم همهء مطالب گفته شده را با واقعیت‌های علمی باستانی یکجا
گرد آوریم، درمی‌یابیم که منطقهء وقوع سیل، به خلیج فعلی محصور
می‌گردد، پیش از آنکه به‌دلیل طی‌شدن آخرین عصر یخبندان و ذوب شدن
برف و بالا رفتن سطح دریا، با آب پوشیده شود.
